



تفسیر موضوعی قرآن کریم

برگرفته از تفسیر نمونه

آیت الله ناصر مکارم شیرازی
گردآوری و تدوین: علیرضا کمالی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب

پیشگفتار	یازده
مقدمه	سیزده
بخش اول: اوصاف و ویژگی‌های قرآن	۱
عظمت قرآن در کتب پیشین	۲
کتاب مبین	۴
نور مبین	۵
بصیرت	۵
شفا و رحمت	۷
هدایت به مستقیم‌ترین راه	۱۱
معجزه جاوید	۱۳
همانندناپذیری	۱۸
حفظ قرآن از تحریف	۲۰
سند زنده‌ای بر اعجاز قرآن	۲۱
خلاصه	۲۲
خودآزمایی	۲۳
معرفی منابع برای مطالعه بیشتر	۲۶
بخش دوم: راز و نیاز با خدا	۲۷
گفتار اول: دعا و نیایش	۲۹
دعا وسیله ارتباط با خدا	۳۰
شرایط اجابت دعا	۳۳
دعای مضطر	۳۶

۳۷	نکته: مضطر کیست
۳۷	کیفیت دعا
۴۱	کمیت دعا
۴۲	گفتار دوم: نماز
۴۳	اهمیت فریضه نماز
۴۴	فلسفه و اسرار نماز
۴۴	۱. بازدارندگی از زشتی‌ها و بدی‌ها
۴۵	۲. یاد خدا
۴۶	۳. خشوع و رستگاری
۴۸	نکته: راه به‌دست آوردن حضور قلب در نماز
۴۹	۴. کنترل نیروهای درونی
۵۱	۵. نجات از دوزخ
۵۱	اوقات نمازهای پنج‌گانه
۵۳	نماز شب
۵۵	بزرگ‌ترین اجتماع عبادی - سیاسی
۶۰	خلاصه
۶۲	خودآزمایی
۶۵	معرفی منابع برای مطالعه بیشتر
۶۷	بخش سوم: تفسیر سوره‌های حمد، توحید، قدر
۶۹	گفتار اول: تفسیر سوره حمد
۷۰	ویژگی‌های سوره
۷۰	۱. آهنگ سوره حمد
۷۰	۲. سوره حمد، اساس قرآن
۷۱	۳. سوره حمد، افتخار پیامبر ﷺ
۷۲	۴. تأکید بر تلاوت این سوره
۷۲	محتوای سوره
۷۳	بهترین سرآغاز
۷۸	سپاس و ستایش الهی
۸۰	نکته: پرورش الهی، راه خداشناسی
۸۱	رحمت گسترده الهی
۸۲	ایمان به رستاخیز دومین پایگاه
۸۳	انسان در پیشگاه خدا
۸۵	نکته‌ها
۸۵	پیمودن راه مستقیم
۸۷	نکته: صراط مستقیم چیست؟
۸۷	دو خط انحرافی

۸۹	گفتار دوم: تفسیر سوره توحید
۸۹	محتوای سوره
۹۰	فضیلت تلاوت سوره
۹۱	یکتای یگانه
۹۱	یکتای بی‌نیاز
۹۴	یکتای بی‌همتا
۹۵	گفتار سوم: تفسیر سوره قدر
۹۵	محتوای سوره
۹۶	فضیلت تلاوت سوره
۹۶	شب نزول قرآن
۹۷	شبی برتر از هزار ماه
۹۸	شب نزول فرشتگان و روح
۹۹	شب سلامت و رحمت
۱۰۳	خلاصه
۱۰۵	خودآزمایی
۱۰۸	معرفی منابع برای مطالعه بیشتر
۱۰۹	بخش چهارم: روابط اجتماعی
۱۱۰	رعایت حقوق اسلامی
۱۱۵	جامع‌ترین برنامه اجتماعی
۱۱۸	برقراری پیوندهای خویشاوندی
۱۲۰	نکته: اهمیت صله رحم در اسلام
۱۲۲	مشارکت ورزی
۱۲۳	خیرخواهی
۱۲۶	عدالت ورزی
۱۲۷	نکته: عدالت رکن مهم اسلام
۱۲۸	خلاصه
۱۳۰	خودآزمایی
۱۳۳	معرفی منابع برای مطالعه بیشتر
۱۳۵	بخش پنجم: ازدواج
۱۳۶	اهمیت ازدواج
۱۳۸	قرآن و مسئله رهبانیت
۱۴۱	هدف ازدواج
۱۴۲	نکته: تفاوت میان «مودت» و «رحمت»
۱۴۳	ترغیب به ازدواج آسان
۱۴۵	حفظ عفت و پاکدامنی در سایه ازدواج

۱۴۶	خودفروشی، عامل انحطاط و سقوط
۱۴۷	هم‌سنگ بودن زن و شوهر
۱۵۱	مهر، هدیه‌ای الهی
۱۵۲	نکته: مهر، پشتوانه‌ای اجتماعی برای زن
۱۵۳	ویژگی‌های بایسته همسران
۱۵۶	حُسن معاشرت
۱۵۸	فرزند، هدیه‌ای الهی
۱۶۰	محکمه صلح خانوادگی
۱۶۵	خلاصه
۱۶۷	خودآزمایی
۱۶۹	معرفی منابع برای مطالعه بیشتر

۱۷۱	بخش ششم: روابط اقتصادی
۱۷۲	انفاق
۱۷۳	نکته: چرا از انفاق تعبیر به قرض شده است؟
۱۷۴	زکات، عامل پاکی فرد و جامعه
۱۷۷	نکته: نقش زکات در اسلام
۱۷۸	خمس دستور مهم اسلامی
۱۸۳	اعتدال و میانه‌روی
۱۹۰	رباخواری، نقطه مقابل انفاق
۱۹۶	پرهیز از رشوه‌خواری
۱۹۸	نکته: رشوه‌خواری بلای بزرگ جامعه‌ها
۲۰۰	خلاصه
۲۰۲	خودآزمایی
۲۰۵	معرفی منابع برای مطالعه بیشتر

۲۰۷	بخش هفتم: جهان‌های دیگر
۲۰۹	گفتار اول: عالم ملکوت، جن، فرشتگان و جنین
۲۱۰	عالم ملکوت
۲۱۰	عالم جن
۲۱۳	عالم فرشتگان
۲۱۶	نکته: ملائکه در قرآن
۲۱۹	عالم جنین
۲۲۰	مراحل تکامل جنین
۲۲۲	نکته: آخرین مرحله تکامل انسان در رحم

۲۲۴	گفتار دوم: عالم مرگ و برزخ
۲۲۵	گرفتن روح به‌هنگام مرگ و خواب

۲۲۶	عالم مرگ (اقسام اجل)
۲۲۷	نکته: عوامل معنوی زیادی و کوتاهی عمر
۲۲۸	مرگ، واقعیتهی اجتناب‌ناپذیر
۲۲۹	قبض روح کنندگان
۲۳۲	عالم برزخ
۲۳۳	نکته
۲۳۴	ارتباط با عالم برزخ
۲۳۵	نکته: آیا مردگان حقیقتی را درک می‌کنند؟
۲۳۶	شاهدانی بر عالم برزخ
۲۳۸	گفتار سوم: عالم قیامت
۲۴۰	نشانه‌های قیامت
۲۴۳	زمان برپایی قیامت
۲۴۴	صحنه هول‌انگیز قیامت
۲۴۹	نکته: مراحل رستاخیز
۲۴۹	قطع پیوندها
۲۵۱	ثبت و ضبط اعمال
۲۵۳	خلاصه
۲۵۶	خودآزمایی
۲۵۹	معرفی منابع برای مطالعه بیشتر
۲۶۱	کتابنامه

پیشگفتار

از جمله اقدامات ارزشمند و قابل تقدیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و کمیته برنامه‌ریزی دروس معارف اسلامی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بازنگری در سرفصل‌های دروس معارف اسلامی است که از جمله برکات آن جای‌دادن درس تفسیر موضوعی قرآن کریم به ارزش دو واحد در برنامه‌ریزی جدید است.

تفسیر نمونه از جمله تفاسیر ارزشمندی است که به همت جمعی از اندیشمندان، زیر نظر استاد محقق حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی پس از ۱۵ سال به‌بار نشست و از سوی علاقمندان به معارف قرآنی در داخل و خارج از کشور مورد استقبال قرار گرفته است. این تفسیر به زبان‌های مختلف ترجمه شده است و برخی مجلدات آن تا کنون بیش از ۴۶ بار به چاپ رسیده است.

کتاب حاضر براساس سرفصل درس تفسیر موضوعی قرآن کریم، در قالب هفت بخش نوشته شده است. نکاتی چند درباره این اثر شایان ذکر است:

۱. بر خوانندگان محترم پوشیده نیست که نگارش تفسیر موضوعی درباره هریک از موضوعات قرآنی، خود کتابی مفصل در پی دارد و تفاسیر موضوعی: **پیام قرآن** نوشته استادانصر مکارم شیرازی، **مثنوی جاوید** اثر استاد جعفر سبحانی و **تفسیر موضوعی قرآن کریم** نوشته استاد عبدالله جوادی آملی، گویای این حقیقت است. اما در این مجموعه با رعایت دو واحد درسی تلاش شده است به ارائه و تفسیر مهم‌ترین آیات مربوط به هر بحث بسنده شود.

۲. در این اثر سطح و نیاز علمی دانشجویان از نظر دور نمانده است. از این‌رو، از

بیان نکات فنی و نظرهای مختلف تفسیری خودداری شده است، مگر اقوالی که به نظر مؤلف تفسیر نمونه در تفسیر آیات مورد بحث، قابل جمع باشد.

۳. تمام مطالب این اثر براساس تفسیر نمونه است و از آنجاکه مجلدات آخرین دوره تفسیرنمونه چاپ‌های مختلف - از چاپ سی و دوم تا چهل و هفتم - دارد و آخرین دوره آن نیز دارای ویرایش جدید همراه با اضافات فهرست موضوعی در پایان هر جلد است، شماره صفحات در چاپ‌های مختلف با یکدیگر تفاوت دارد. از این رو از مستند کردن مطالب این اثر به تفسیر نمونه خودداری شده است، جز در مواردی که یافتن مطلب در تفسیر نمونه دشوار باشد. خوانندگان محترم برای رجوع به تفسیر نمونه می‌توانند با در نظر گرفتن نام سوره و شماره آیه، به آن تفسیر با هر نوع چاپ مراجعه نمایند.

۴. ساختار تفسیر آیات نیز براساس تفسیر نمونه تنظیم یافته است. در تفسیر آیات ابتدا هر آیه به جمله‌هایی کوتاه تقسیم و سپس تفسیر شده است. در پایان برخی آیات نیز به تناسب نکات آن بیان گردیده است.

در پایان از استاد محقق و مفسر فرزانه حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی و همچنین تمامی عزیزانی که در به ثمر رسیدن این اثر از هیچ کوششی دریغ نورزیده‌اند به‌ویژه استادان بزرگوار حجج اسلام: دکتر ابراهیم کلانتری، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، دکتر علی نصیری و نیز کارشناسان گروه تفسیر دفتر حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی که متن را با دقت مطالعه نموده و کاستی‌های آن را یادآور شدند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

گردآورنده با تمام تلاشی که نموده است کار خود را خالی از نقص نمی‌داند، از این رو امیدوار است از نظرات ارزشمند استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان گرامی بهره‌مند گردد.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

علیرضا کمالی

پاییز ۱۳۸۵

مقدمه

شرافت قرآن و شأن والای آن بر اهل اسلام و ایمان پوشیده نیست. کتابی که تلاوت و تفکر در معانی آن حیات بخش و علم به آن و عمل به دستوراتش رهایی آفرین است. اما باید دانست عقل انسان ها قادر به راه یافتن به حقایق تفسیر و اسرار تأویل نمی باشد. خداوند متعال به شأن پیامبر ﷺ به عنوان اولین مفسر و مبین قرآن در خلال آیات شریفه اشاره فرموده که البته این تصریح قرآن به دو امر مهم تأکید دارد: نخست آنکه آیات قرآن قطعاً نیاز به تشریح و تبیین دارد «لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل: ۴۴) دوم اینکه تنها مفسر و مبین قرآن، شخص پیامبر و یا هر کسی است که پیامبر از جانب خدا، مأمور به معرفی مقام او پس از خودش می باشد؛ و البته در تصریح پیامبر در خطابه غدیر، امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اولاد طاهرينش (علیهم السلام) به عنوان مفسر و ترجمان آیات قرآن پس از پیامبر معرفی گردیده اند. آنچه در این مقدمه مورد تأکید است، مذمت تفسیر بدون پشتوانه کلام حضرات معصومین (علیهم السلام) و به عبارتی مذمت تفسیر به رأی است.

تفسیر

«تفسیر» در لغت به معنای برگرفتن نقاب از چهره است. اما مگر قرآن که «نور» و «کلام مبین» است، نقابی بر چهره دارد که از آن برگیریم؟ نه، نقابی بر چهره قرآن نیست، این ما هستیم که باید نقاب از چهره جان برگیریم و پرده از دیده عقل و هوش خود کنار زنیم تا مفاهیم قرآن را دریابیم و روح آن را درک کنیم. از سوی دیگر، قرآن یک چهره عمومی دارد که برای همه گشاده است، و نور مبین است و رمز هدایت خلق و چهره، بلکه چهره های دیگری نیز دارد که آن را تنها به اندیشمندانی که تشنه حق و پوینده راه اند، نشان می دهد، و به هریک به اندازه پیمانه وجود و کوشش آمیخته با اخلاصشان، سهمی می بخشد.

این چهره‌ها که در زبان احادیث «بطون» قرآن نامیده شده، بر همه کس تجلی نمی‌یابد، و یا به تعبیر صحیح‌تر، همه چشم‌ها قدرت دید آن را ندارند، تفسیر، به چشم‌ها قدرت می‌بخشد و حجاب‌ها را کنار می‌زند و به ما شایستگی دید آنها را تا حد امکان می‌دهد.

قرآن چهره‌هایی نیز دارد که گذشت زمان و پرورش نبوغ و استعدادها از آن پرده برمی‌دارد؛ چنانکه ابن عباس، شاگرد هوشمند مکتب علی علیه السلام می‌گوید: «القرآن یفسره الزمان». از همه اینها گذشته، قرآن به مضمون کلام معروف «القرآن یفسر بعضه بعضاً» خودش خود را تفسیر می‌کند و آیاتش پرده از چهره یکدیگر برمی‌گیرند و این هرگز با نور و کلام مبین بودنش منافات ندارد که قرآن «یک واحد به هم پیوسته» و «مجموعه‌ای از هم ناگسسته» است، و مجموعاً نور و کلام مبین.

تفسیر قرآن به معنای واقعی از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و به هنگام نزول نخستین آیات بر قلب پاکش آغاز گشت، اما به صورت یک «علم مدون» از زمان علی علیه السلام شروع شد و بزرگان این علم سلسله سندهای خود را به او - که باب مدینه علم پیامبر صلی الله علیه و آله بود - می‌رسانند.

تا کنون تفاسیر متنوع ادبی، فلسفی، اخلاقی، روایی، تاریخی و علمی به نگارش در آمده، و هریک قرآن را از دریچه‌ای خاص کاویده‌اند. از این باغ پرگل یکی به مناظر دل‌انگیز و شاعرانه پرداخته، دیگری مانند معلم علوم طبیعی به ساختمان برگ‌ها و گلبرگ‌ها و ریشه‌ها، سومی به مواد غذایی قابل استفاده از آن، چهارمی به خواص دارویی، پنجمی به اسرار آفرینش این همه شکوفه و گل‌های رنگارنگ، ششمی نیز در این اندیشه است که از کدامین گل می‌توان عطری بهتر تهیه کرد و هفتمی همچون زنبور عسل تنها در فکر مکیدن شهد گل و فراهم ساختن «انگبین» است. خلاصه اینکه پویندگان راه تفسیر هر کدام با آیین مخصوصی که به دست داشته‌اند، جلوه‌ای از آن همه زیبایی و اسرار قرآن را باز تابانده‌اند.

اما روشن است که اینها همه در عین حال که تفسیر قرآن‌اند، تفسیر قرآن نیستند، که هریک پرده از چهره‌ای از قرآن برمی‌دارد نه از همه چهره‌ها، و اگر همه را نیز یک‌جا جمع کنیم باز پرده برداری از چهره‌هایی از قرآن است نه از همه چهره‌هایش؛ زیرا که قرآن کلام حق است و تراوشی از علم بی‌انتهای او، و کلامش رنگ علم او، و علمش رنگ ذات او دارد و همه نامتناهی‌اند.

بنابراین نباید انتظار داشت انسان‌ها همه چهره‌های قرآن را ببینند که نمی‌توان دریایی را در کوزه‌ای جای داد! ولی این را نمی‌توان و نباید انکار کرد که هر قدر ظرف اندیشه ما بزرگ‌تر باشد، مقدار بیشتری از این اقیانوس بیکران را در خود جای خواهد داد. به همین روی بر همه دانشمندان فرض است که در هیچ عصر و زمانی از پای ننشینند و برای کشف حقایق بیشتری از قرآن مجید به تلاش و کوشش پی‌گیر و مخلصانه ادامه دهند. از سخنان پیشینیان - که درود خدا بر روان پاکشان باد - بهره گیرند، اما به آنها قناعت نکنند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا تُخْصِي عَجَائِبُهُ وَلَا تُبْلِي غَرَائِبُهُ: شگفتی‌های قرآن هرگز تمام نمی‌شود و نوآوری‌های آن به کهنگی نمی‌گراید.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۵۹۸)

خطرناک‌ترین روش در تفسیر قرآن این است که به‌جای شاگردی در مکتب قرآن، ژست معلمی را در برابر این کتاب بزرگ آسمانی به خود بگیریم؛ یعنی به‌جای استفاده از قرآن بکوشیم افکار خود را بر قرآن تحمیل کنیم و پیش‌داوری‌هایی که مولود محیط، تخصص علمی، مذهب خاص و سلیقه شخصی ماست، به نام قرآن و به شکل قرآن عرضه کنیم و درحقیقت قرآن برای ما امام و پیشوا نباشد، بلکه وسیله‌ای برای به کرسی نشاندن گفته‌ها و موجه جلوه دادن افکار و سلیقه‌های شخصی ما باشد.

این طرز تفسیر قرآن یا صحیح‌تر تفسیر افکار خود به قرآن گرچه در میان جمعی رواج یافته اما هر چه هست خطرناک است، و فاجعه، نتیجه آن به‌جای هدایت یافتن به راه حق، پرت شدن در بیراهه‌ها و راسخ‌تر شدن در اشتباهات است؛ چرا که این گونه بهره‌برداری از قرآن تفسیر نیست، تحمیل است؛ به داوری طلبیدن نیست، داوری کردن است؛ هدایت نیست، ضلالت است و سرانجام دگرگون ساختن همه چیز و «تفسیر به رأی» است.

محکم و متشابه

قرآن کریم در سوره آل عمران به آیات محکم و متشابه اشاره می‌کند و می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ.^۱ (آل عمران: ۷)

۱. او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد؛ که قسمتی از آن، آیات «محکم» است که اساس این کتاب می‌باشد؛ و قسمتی از آن «متشابه» است.

واژه «محکم» در اصل از «احکام» به معنای ممنوع ساختن گرفته شده و به همین دلیل به موجودات پایدار و استوار، محکم می‌گویند؛ زیرا عوامل انحرافی را می‌زدایند و همچنین سخنان روشن و قاطع را که هرگونه احتمال خلاف را از خود دور می‌سازند محکم نامیده‌اند.^۱

بنابراین مراد از «محکمت» آیاتی است که مفهوم آن به قدری روشن است که جای گفتگو و بحث در آن نیست؛ آیاتی همچون «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بگو او است خدای یگانه» (توحید: ۱)؛ «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ هیچ چیز همانند او نیست» (شوری: ۱۱)؛ «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ خداوند آفریننده و آفریدگار همه چیز است» (زمر: ۶۲)؛ «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ سهم ارث پسر معادل سهم دو دختر است» (نساء: ۱۱) و هزاران آیه مانند آنها درباره عقاید، احکام، مواظ و تاریخ، همه از محکمت می‌باشند. این آیات (محکمت) در قرآن «ام‌الکتاب» نامیده شده؛ بدین معنا که اصل، مرجع، مفسر و توضیح‌دهنده آیات دیگر است.

واژه «متشابه» در اصل به معنای چیزی است که قسمت‌های مختلف آن شبیه یکدیگر باشد، از این رو به جمله‌ها و کلماتی که معنای آنها پیچیده است و گاه احتمالات مختلف درباره آن داده می‌شود، «متشابه» می‌گویند. بنابراین متشابهات قرآن آیاتی است که معانی آن در بدو نظر پیچیده است و در آغاز، احتمالات متعددی در آن می‌رود، اگرچه با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها روشن است. برای نمونه، قسمتی از آیات مربوط به صفات خدا و چگونگی معاد را می‌توان ذکر کرد، مانند «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ دست خدا بالای دست‌های آنها است» (فتح: ۱۰) که درباره قدرت خداوند می‌باشد. «وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ خداوند شنوا و دانا است» (بقره: ۲۲۴) که اشاره به علم خدا است و مانند «وَنُفُخُ السُّورِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ترازوهای عدالت را در روز رستاخیز قرار می‌دهیم» (انبیاء: ۴۷) که درباره وسیله سنجش اعمال سخن می‌گوید.

بدیهی است نه خداوند دست (به معنای عضو مخصوص) دارد و نه گوش (به همین معنا) و نه ترازوی سنجش اعمال، شبیه ترازوهای ماست، بلکه اینها به مفاهیم کلی قدرت، علم و وسیله سنجش اشارت دارد.

۱. راغب اصفهانی می‌گوید: حکم (و حکمة) در اصل به معنای منع است و دانش را از این رو حکمت می‌گویند که انسان را از بدی‌ها باز می‌دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۴۸)

از آنچه درباره محکم و متشابه گفتیم، آشکار شد که انسان واقع‌بین و حقیقت‌جو برای فهم کلمات پروردگار راهی جز این ندارد که همه آیات را کنار هم چیند و از آنها حقیقت را دریابد و اگر در ظواهر پاره‌ای از آیات، در ابتدای نظر، ابهام و پیچیدگی بیابد، با توجه به آیات دیگر، آن ابهام و پیچیدگی را برطرف سازد و به کنه آن برسد. درحقیقت «آیات محکم» از یک نظر همچون شاهراه‌های بزرگ، و «آیات متشابه» همانند جاده‌های فرعی‌اند، روشن است اگر انسان در جاده‌های فرعی، سرگردان شود، می‌کوشد خود را به نخستین شاهراه برساند و از آنجا مسیر خود را اصلاح کرده، راه را بیابد. تعبیر از محکومات به «أُمُّ الْكِتَابِ» نیز مؤید همین ادعاست؛ زیرا واژه «ام» در لغت به معنای اصل و اساس هر چیزی است و اگر «مادر» را «ام» می‌گویند، از این‌روست که ریشه خانواده و پناهگاه فرزندان در حوادث و مشکلات است و به این ترتیب، محکومات، اساس و ریشه و مادر آیات دیگر محسوب می‌گردد.

چرا بخشی از آیات قرآن متشابه‌اند؟

با اینکه قرآن نور و روشنایی و سخن حق و آشکار است و برای هدایت عموم مردم آمده، چرا آیات متشابه دارد؟ از سویی دیگر، چرا محتوای برخی آیات پیچیده است که موجب سوءاستفاده فتنه‌انگیزها شود؟ این موضوع بسیار با اهمیتی است که شایان دقت است، به‌طور کلی ممکن است جهات ذیل، فلسفه وجود آیات متشابه در قرآن باشد:

۱. الفاظ و عباراتی که در گفتگوهای آدمی به‌کار می‌رود، تنها برای نیازمندی‌های روزمره به وجود آمده است. از این‌رو به مجرد آنکه از زندگی محدود مادی خارج شویم و مثلاً درباره آفریدگار - که نامحدود از هر جهت است - سخنی به‌میان آید، به‌روشنی می‌بینیم که الفاظ ما قالب آن معانی نیست، از همین‌رو به ناچار باید کلماتی را به‌کار ببریم که از جهات مختلفی نارساست، همین نارسایی‌های کلمات سرچشمه بسیاری از تشابهات قرآن است. آیات «يُدُّ اللّٰهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»، (فتح : ۱۰) «الرَّحْمٰنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوٰى» (طه : ۵) و یا «إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ» (قیامت: ۲۳) از این نمونه است و تعبیراتی چون «سمیع و بصیر» نیز همه از این قبیل است که با مراجعه به آیات محکم، تفسیر آنها روشن می‌شود.

۲. بسیاری از حقایق، مربوط به جهان دیگر، یا جهان ماورای طبیعت است که از افق

فکر ما دور است و ما به حکم محدود بودن در زندان زمان و مکان، قادر به درک عمق آنها نیستیم. این نارسایی افکار ما و بلند بودن افق آن معانی، سبب دیگری برای تشابه قسمتی از آیات است؛ مانند پاره‌ای از آیات مربوط به قیامت و امثال آن. و این نظیر آن است که کسی بخواهد برای کودکی که در عالم جنین زندگی می‌کند، مسائل این جهان را تشریح کند، اگر سخنی نگوید، کوتاهی کرده و اگر هم بگوید، ناچار است مطالب را سربسته ادا کند؛ زیرا شنونده در آن شرایط، توانایی و استعداد بیشتر از این را ندارد.

۳. یکی دیگر از اسرار وجود متشابه در قرآن، به کار انداختن افکار و اندیشه‌ها و به وجود آوردن جنبش و نهضت فکری در مردم است و این درست به مسائل فکری پیچیده‌ای می‌ماند که برای تقویت افکار اندیشمندان طرح می‌شود تا بیشتر به تفکر و اندیشه و دقت و بررسی در مسائل پردازند.

۴. نکته دیگری که اخبار اهل بیت علیهم‌السلام نیز آن را تأیید می‌کند، این است که وجود این گونه آیات در قرآن، نیاز شدید مردم را به پیشوایان الهی و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم و اوصیای او روشن می‌سازد و سبب می‌شود مردم به حکم نیاز علمی به سراغ آنها روند و رهبری آنها را عملاً به رسمیت شناسند و از علوم دیگر و راهنمایی‌های مختلف آنان نیز بهره برند؛ و این درست به آن می‌ماند که در پاره‌ای از کتب درسی، شرح بعضی از مسائل بر عهده معلم و استاد گذارده می‌شود تا شاگردان رابطه خود را با استاد قطع نکنند و بر اثر این نیاز، در همه چیز از افکار او الهام گیرند. در واقع قرآن مصداق وصیت معروف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم است که فرمود:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْترَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ.
دو چیز گرانباهه را در میان شما به یادگار می‌گذارم: کتاب خدا و خاندانم، و این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا در قیامت در کنار کوثر به من برسند. (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۶۱).

بخش اول

اوصاف و ویژگی‌های قرآن

هدف‌های رفتاری

از دانشجوی گرامی انتظار می‌رود پس از مطالعه این بخش بتواند:

۱. هدف قرآن از بیان تاریخ گذشتگان را بیان کند.
۲. دلیل نزول قرآن را به زبان عربی توضیح دهد.
۳. نقش قرآن را در درمان دردهای اجتماعی و اخلاقی تبیین نماید.
۴. تفاوت میان شفا و رحمت را شرح دهد.
۵. منظور از هدایت به «اقوم» در قرآن را بیان کند.
۶. وجوه مختلف اعجاز قرآن را توضیح دهد.
۷. چند ویژگی قرآن را تحلیل نماید.

قرآن کریم دارای نام‌ها و اوصافی است که در آیات قرآن و احادیث اسلامی بدان تصریح شده است؛ از جمله: کتاب، فرقان، ذکر، کلام، مبین، نور، هادی، هدی، رحمت، بُشری، شفاء، موعظه، حکمت، مُهِّمَن، بیان، برهان، بلاغ، بصائر، مثانی، متشابه، روح، عزیز، بشیر، نذیر، تنزیل، مجید، کریم، مبارک، علیّ و عظیم. در این بخش به تفسیر پاره‌ای از این اوصاف و ویژگی‌ها می‌پردازیم.

عظمت قرآن در کتب پیشین

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ * بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ * وَإِنَّهُ لَفِي زُبْرِ الْأَوَّلِينَ * أَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ.^۱ (شعراء : ۱۹۷-۱۹۲)

این آیات به عظمت قرآن و حقانیت کلام مبین الهی اداره می‌کند. در آیه نخست می‌گوید: «این از سوی پروردگار عالمیان نازل شده است: وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ.» بیان قسمت‌های گوناگون سرگذشت پیامبران با تمام دقت و ظرافت و خالی بودن از هرگونه خرافه و افسانه‌های دروغین - در محیطی که محیط افسانه‌ها و اساطیر بود - از سوی کسی که هرگز درسی نخوانده خود دلیلی است که این کتاب از سوی رب العالمین نازل شده، و این خود نشانه اعجاز قرآن است. از این رو می‌افزاید: «آن را روح الامین از سوی خداوند آورده است: نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ.»

اگر آن فرشته وحی و آن روح امین پروردگار، آن را از سوی خداوند نیاورده بود، این چنین درخشان، پاک و خالی از آلودگی به خرافات و اباطیل نبود. فرشته وحی در اینجا با دو عنوان توصیف شده: روح و امین؛ روحی که سرچشمه حیات، و امانتی که شرط اصلی هدایت و رهبری است.

در آیه بعد می‌فرماید: این روح الامین «قرآن را از سوی پروردگار بر قلب تو نازل کرد تا مردم را انداز کنی: عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ.»

هدف این است که تو مردم را انداز کنی و از سرنوشت شوم آنها که بر اثر انحراف از توحید دامانشان را می‌گیرد، آگاه‌سازی. هدف، بیان تاریخ گذشتگان برای سرگرمی و داستان‌سرایی نبوده، بلکه برای ایجاد احساس مسئولیت، بیداری، تربیت و انسان‌سازی است.

اما برای اینکه جای هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای باقی نماند، آن را «به زبان عربی آشکار نازل کرد: بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ.»

این قرآن به زبان عربی فصیح و خالی از هرگونه ابهام نازل شد تا برای انداز و بیدار ساختن - به‌ویژه در آن محیط که مردمی بسیار بهانه‌جو و لجوج داشت - به قدر

۱. مسلماً این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است! * روح‌الامین آن را نازل کرده است. * بر قلب (پاک) تو، تا از اندازکنندگان باشی! * (آن را) به زبان عربی آشکار (نازل کرد)! * و توصیف آن در کتاب‌های پیشین نیز آمده است! * آیا همین نشانه برای آن‌ها کافی نیست که علمای بنی اسرائیل به خوبی از آن آگاهند!؟

کافی گویا باشد؛ همان زبانی که کامل‌ترین زبان‌هاست و از پربارترین و غنی‌ترین ادبیات مایه می‌گیرد.

شایان ذکر است که یکی از معانی «عربی» فصاحت و بلاغت است؛ چنانکه راغب اصفهانی می‌نویسد: «عربی سخن فصیح و آشکار را گویند.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۵۷؛ نیز: ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۹، ص ۱۱۳). در این صورت هدف، تکیه بر زبان عرب نیست، بلکه بر صراحت قرآن و روشنایی مفاهیم آن است، در سوره فصلت نیز آمده است: «وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتِ آيَاتُهُ: اگر این قرآن را گنگ و مبهم نازل می‌کردیم، می‌گفتند چرا آیاتش روشن و مشروح بیان نشده است.» (فصلت: ۴۴) در اینجا «اعجمی» به معنای کلام غیرفصیح است.

سپس به یکی دیگر از دلایل حقانیت قرآن اشاره کرده، می‌گوید: «وصف این کتاب در کتب پیشینیان نیز آمده است و از ظهور آن در آینده بشارت داده‌اند: **وَإِنَّ لَیْلَى زُیْرَ الْأَوَّلِینَ**».

به ویژه در تورات موسی، به اوصاف این پیامبر و کتاب آسمانی اش اشاره شده بود؛ به گونه‌ای که علمای بنی اسرائیل از آن به خوبی آگاه بودند. حتی گفته می‌شود ایمان دو قبیله اُوس و خزرج به پیامبر اسلام ﷺ بر اثر پیش‌بینی‌های علمای یهود از ظهور این پیامبر و نزول این کتاب آسمانی بود. از این رو قرآن در اینجا اضافه می‌کند: «آیا همین نشانه برای آنها کافی نیست که علمای بنی اسرائیل به خوبی از آن آگاه‌اند؟: اَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ ءَايَةٌ اَنْ يَّعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَءِیْلَ.»

روشن است در محیطی که آن همه دانشمندان بنی‌اسرائیل وجود داشتند و با مشرکان کاملاً محشور بودند، ممکن نبود چنین سخنی را قرآن به‌گراف درباره خویش بگوید؛ چرا که بی‌درنگ از هرسو بانگ انکار برمی‌خاست و این خود نشان می‌دهد در آن محیط به قدری این مسئله روشن بوده که جای انکار نداشته است.

در سوره بقره نیز می خوانیم: «وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ» (يهود) پیش از این در برابر تجاوز مشرکان امید فتح و پیروزی (با ظهور پیامبر اسلام ﷺ) را داشتند اما هنگامی که کتاب و پیامبری را که از قبل شناخته بودند نزد آنها آمد، به آن کافر شدند.» (بقره: ۸۹)

کتاب مبین

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ * يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^۱ (مائده: ۱۵ و ۱۶)

این آیات به اهمیت و عظمت قرآن و تأثیر عمیق آن در هدایت و تربیت بشر اشاره کرده و می‌گوید: «از طرف خداوند نور و کتاب آشکاری به‌سوی شما آمد: قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ».

همان نوری که «خداوند به وسیله آن کسانی که به دنبال کسب خشنودی او باشند را به راه‌های سلامت هدایت می‌کند: يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ» افزون بر این، «آنها را از انواع ظلمت‌ها و تاریکی‌ها - ظلمت شرک، جهل، پراکندگی، نفاق و ... - به‌سوی نور توحید، علم و اتحاد رهبری می‌کند: وَ يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ».

و همچنین «آنها را به جاده مستقیم که هیچ‌گونه کجی در آن از نظر اعتقاد و برنامه عملی نیست، هدایت و رهنمون می‌سازد: وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».

آیه دوم به کسانی که در راه تحصیل رضای خدا گام می‌نهند، نوید می‌دهد که در پرتو قرآن سه نعمت بزرگ بدانها داده می‌شود: نخست هدایت به جاده‌های سلامت - سلامت فرد، اجتماع، روح و جان، خانواده و اخلاق - است که همه آنها جنبه عملی دارد. و دیگر خارج ساختن انسان از ظلمت‌های کفر و بی‌دینی به‌سوی نور ایمان می‌باشد که جنبه اعتقادی دارد. تمام اینها را در کوتاه‌ترین و نزدیک‌ترین راه که «صراط مستقیم» است و در جمله سوم به آن اشاره شده است به انجام می‌رساند.

البته همه این نعمت‌ها نصیب کسانی می‌شود که از در تسلیم و حق‌جویی درآیند و مصداق «مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ» باشند. اما منافقان و افراد لجوج و آنها که با حق در ستیزند، هیچ‌گونه بهره‌ای نخواهند برد. نیز همه این آثار از اراده حتمی خداوند سرچشمه می‌گیرد که با کلمه «بِإِذْنِهِ» به آن اشاره شده است.

۱. از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. * خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند؛ و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد و آنها را به سوی راه راست؛ رهبری می‌کند.

نور مبین

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا * فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةِ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا^۱ (نساء: ۱۷۴ و ۱۷۵)

در ادامه بحث‌هایی که درباره انحرافات اهل کتاب از اصل توحید و اصول تعلیمات انبیا در آیات پیش از آن آمده است، در این دو آیه سخن نهایی گفته شده و راه نجات مشخص گردیده است. نخست عموم مردم جهان را مخاطب خویش ساخته، می‌گوید: «ای مردم، از طرف پروردگار شما پیامبری آمده است که براین و دلایل آشکاری دارد و همچنین نور آشکاری به نام قرآن با او فرستاده شده که روشنگر راه سعادت شما است: يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا.»

«برهان» از ماده بره (بر وزن فرح) به معنای سفیدشدن است و از آنجاکه استدلال‌های روشن چهره حق را برای شنونده نورانی، آشکار و سفید می‌کند به آن، برهان گفته می‌شود. منظور از برهان در این آیه شخص پیامبر ﷺ و مراد از نور، قرآن مجید است که در آیات دیگر نیز از آن تعبیر به نور شده است.

در آیه بعد نتیجه پیروی از این برهان و نور را چنین شرح می‌دهد: «اما آنها که به خدا ایمان آوردند و به این کتاب آسمانی چنگ زدند، به‌زودی در رحمت واسعه خود وارد خواهد کرد و از فضل و رحمت خویش بر پاداش آنها خواهد افزود و به صراط مستقیم و راه راست هدایتشان می‌کند: فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةِ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا.»

بصیرت

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيفٍ * وَ كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ وَ لِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَ لِيُبَيِّنَنَّ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ^۲ (انعام: ۱۰۴ و ۱۰۵)

۱. ای مردم! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم. * اما آن‌ها که به خدا ایمان آوردند و به آن (کتاب آسمانی) چنگ زدند، به‌زودی همه را در رحمت و فضل خود، وارد خواهد ساخت؛ و در راه راستی، به سوی خودش هدایت می‌کند.

۲. دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ کسی که (حق را) ببیند، به سود خود اوست؛ و کسی که از دیدن آن چشم‌پوشد به زیان خودش می‌باشد؛ و من نگاهبان شما نیستم (و شما را بر قبول ایمان مجبور نمی‌کنم). * و اینچنین آیات (خود) را تشریح می‌کنیم؛ بگذار آن‌ها بگویند: «تو درس خوانده‌ای (و آن‌ها را از دیگری آموخته‌ای)»! می‌خواهیم آن را برای کسانی که آماده درک حقایق‌اند، روشن سازیم.